علی شمس؛ مترجم، نویسنده و کارگردان پیش‌بینی کرد:

# برنامه‌نویسان کامپیوتر؛ نمایشنامه‌نویسان آینده

■ علی شمس با اعتقاد بر اینکه تا ده سال آینده، نمایشنامه‌نویسان جهان، کد نویسان و برنامه‌نویسان کامپیوتری خواهند بود، گفت: نگران از بین رفتن تئاتر نیستم.

**گروه فرهنگ و هنر** – این روزها که به دلیل شیوع کرونا دامنه همه فعالیت‌های جمعی از جمله تئاتر به فضای مجازی کشیده شده، این پرسش به صورت جدی مطرح است که اگر کرونا به شریک زندگی آدمیان تبدیل شود، در این صورت تکلیف هنری مانند تئاتر چه خواهد بود و آیا این هنر که ذات آن وابسته به حضور همزمان بازیگر و تماشاگر در یک فضای فیزیکی مشترک است، می‌تواند به زیست خود در این این شکل تعریف شده ادامه دهد.در این وضعیت برخی از هنرمندان نگرانی خود را برای ادامه حیات این هنر به شکل امروزین آن مطرح کرده‌اند و معتقدند تئاتر، آینده مبهمی خواهد داشت.اما علی شمس هنرمند جوانی که به دلیل مطالعات شخصی‌اش، با تئاتر آنلاین آشنایی دارد بر این نکته تاکید دارد که نمی‌توان از امروز به طور قطع آینده تئاتر را پیش‌بینی کرد چراکه هر زمانه‌ای اقتضائات خود را دارد.او در آغاز گفت: به واسطه مطالعاتی شخصی‌ام این فضا را خوب می‌شناسم ولی ترجیح می‌دهم تماشاگر آن باشم و این فضا برای تولید اثر هنری، مورد علاقه‌ام نیست و دوست ندارم در این مدیوم، اثری اجرا کنم. شمس که موافق اجراهای آنلاین و مدیوم‌های تازه برای اجرای تئاتر است، ادامه داد: کرونا سبب شد بیش از پیش متوجه این مدیوم شویم و آن را جدی بگیریم. مدیومی که می‌تواند شکلی کلان‌تر برای اجرا را فراهم آورد و کرونا سبب تسریع این روند شد. به طوری که این روزها ایده‌هایی نظام‌مند برای این فعالیت در این مدیوم آغاز شده است. نویسنده و کارگردان نمایش «وقتی خروس غلط می‌خواند» با اشاره به شکل گیری تئاتر آنلاین در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ یادآوری کرد: این حرکت از آن سال‌ها آغاز شد و در ایران هم تجربه‌هایی انجام شده است ولی ما در ایران بیشتر متمرکز بر لایو اینستاگرام هستیم اما پلتفرم‌های دیگری هم وجود دارد که نمونه‌های آن را می‌توان در سایت‌های مختلف دید.شمس با بیان اینکه تئاتر سایبری مدیوم پیچیده‌ای نیست، خاطرنشان کرد: البته این پدیده در دنیا نوظهور است ولی تجربیات گرانقدری در آن صورت گرفته است که نمونه آن اجرای اینترنتی نمایش «در انتظار گودو» توسط گروه دسکتاپ تئاتر (Desktop Theater) است.نویسنده و کارگردان نمایش «شب دشنه‌های بلند» افزود: بعید نیست در جهان آینده، روبوت‌ها یا آنچه امروز برای ما بسیار تخیلی می‌نماید، آثار هنری را خلق کنند همانطور که صد سال پیش، سینما یا عکاسی به عنوان هنر شناخته نمی‌شد. او در پاسخ به این پرسش که این شکل تازه اجرای تئاتر، آیا سبب شیوه‌های تازه‌ای در زمینه نمایشنامه‌نویسی خواهد شد؟ توضیح داد: پیش‌بینی من این است که تا ده‌سال آینده، نمایشنامه‌نویسان مطرح جهان، کدنویس‌ها و برنامه‌نویسان کامپیوتری خواهند بود همچنانکه این روزها هم گیم‌ها (بازی‌های کامپیوتری) با کد نوشته شده‌اند. شمس در پاسخ به این سخن که در این صورت، تکلیف وجوه هنری چه خواهد شد؟ توضیح داد: هرگز نمی‌توانیم ذائقه توده و و زیبایی‌شناسی آینده را پیش‌بینی کنیم همچنانکه تا قرن هیجدهم، رقصندگان باله و بازیگران تئاتر، هنرمند شناخته می‌شدند ولی با گذر زمان، بتدریج عکاسی و سینما هم به عنوان مدیدم‌های تازه هنری تعریف شدند.این مترجم که نمایشنامه‌های ایتالیایی گوناگونی را به فارسی برگردانده است، اضافه کرد: این مدیوم تازه از جهان تئاتر به عنوان یک هنر اقلیت همیشه باقی می‌ماند ولی در صد سال گذشته و مشخصا بعد از ورود اینترنت، هرگز همه‌گیر نبوده است اما به عنوان هنری مسبوق به سابقه از بین نخواهد رفت.نویسنده و کارگردان نمایش «اگر شبی از شب‌های تهران مسافری» تاکید کرد: نگران از بین رفتن تئاتر نیستم چون تئاتر زمانی از بین می‌رود که دیگر کسی به اجرا تمایل نداشته باشد ولی تا زمانی که کسی میل به اجرا و دیگری میل به تماشا داشته باشد، تئاتر، باقی می‌ماند. او البته تاکید کرد: ما در آینده با جهان اجرا سر و کار داریم که ساحتی گسترده‌تر از شکل مرسوم تئاتر در ذهن ماست چراکه اجرا اشکال بسیار متنوعی دارد و ساحتی بسیار بزرگتر از تعریفی است که ما از اجرای تئاتر در ذهن داریم. این نکته را هم نباید از یاد ببریم هر چیزی که زمان نابودی‌اش برسد، از بین خواهد رفت و به زور نمی‌توان جلوی از بین رفتن چیزی را گرفت. با این حال به همان دلایلی که گفتم، تئاتر نابود نخواهد شد.

**ما در آینده با جهان اجرا سر و کار داریم که ساحتی گسترده‌تر از شکل مرسوم تئاتر در ذهن ماست چراکه اجرا اشکال بسیار متنوعی دارد و ساحتی بسیار بزرگتر از تعریفی است که ما از اجرای تئاتر در ذهن داریم. این نکته را هم نباید از یاد ببریم هر چیزی که زمان نابودی‌اش برسد، از بین خواهد رفت و به زور نمی‌توان جلوی از بین رفتن چیزی را گرفت. با این حال به همان دلایلی که گفتم، تئاتر نابود نخواهد شد.**

## «خواب می‌بیند»؛ تجسم موسیقیایی هویتی مستقل و متضاد

**گروه فرهنگ و هنر** –آهنگساز آلبوم «خواب می‌بیند» درباره آخرین ساخته خود گفت: این آلبوم در حقیقت یک شخصیت با هویت مستقل مفهومی و موسیقیایی است که باطن و درونی متضاد دارد.

آلبوم خواب می‌بیند برگزیده آثار موسیقی فیلم احسان بیرقدار شامل موسیقی فیلم‌هایی نظیر ترانه آتش و تخته نرد و فیلم کوتاه معصومه مدتی است توسط مرکز نشر و پخش جوان در فضای مجازی منتشر شده است که با استقبال مخاطبین همراه بوده است.

انتشار این مجموعه در فضای مجازی در روزهایی که مخاطبین موسیقی بواسطه در خانه ماندن و شیوع بیماری کرونا از شرکت در برنامه های فرهنگی و اجراهای زنده موسیقی محروم هستند و نیز قابل توجه مخاطبان از این اثر بهانه ای شد تا خبرنگار فرهنگی ایرنا با آهنگساز آن به گفت و گو بنشیند که در ادامه خواهید خواند.

احسان غلامی بیرقدار که کار ساخت موسیقی فیلم را در ابتدا با دستیاری کارن همایونفر آغاز کرد، متولد سال ۶۰ خورشیدی و دانش آموخته دانشگاه سوره است.

او سابقه همکاری با مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما را در پرونده کاری خود داراست و دوران کسب تجربه نزد فریدون ناصری را از بهترین دوران حضور خود در صدا و سیما می‌داند. او جدا از آهنگسازی سینما از پایه گذاران گروه موسیقی ساکن روان به همراه بصیر فقیه نصیری است. این هنرمند با لوریس چکناواریان در ساخت قطعه کرونا همکاری نزدیک کرده است.

**این مجموعه در شرایطی که امکان رونمایی رسمی به واسطه شیوع بیماری کرونا وجود ندارد و از طرفی آثار موسیقی فیلم چندان مورد توجه مخاطبان قرار ندارند در فضای مجازی منتشر شد. با توجه به مخاطره بالای اقدام به انتشار آلبوم در این شرایط با چه انگیزه ای اقدام به این کار کردید؟**

در ابتدا باید بگویم چندان با نظر شما درباره بی توجهی مخاطبان به موسیقی فیلم موافق نیستم. معتقدم موسیقی فیلم همیشه مخاطبان خاص خود را داشته است. انگیزه اصلی من در انتشار مجموعه خواب می‌بیند استقبال مخاطبان این مجموعه ها و ابراز تمایل آنها به در اختیار داشتن موسیقی این آثار بود که به ما ثابت کرد چنین مجموعه ای قابلیت انتشار با هویت موسیقی مستقل تر بعنوان آثار موسیقی مستقل را دارد. اتفاقا انتشار این قطعه در دوران شیوع بحران کرونا و خانه نشینی مردم را از طریق فضای مجازی به فال نیک می گیرم و خوشحالم این اثر در این روزهای سخت برای مخاطبان در فضای مجازی منتشر شد تا شاید سبب شود قدری حال دل مردم در این روزها بهتر شود.

**منظور از هویت مستقل تر برای مجموعه ای از موسیقی فیلم‌های مختلف چیست؟**

منظور از هویت مستقل موسیقایی این است شما زمانی که بخواهید آلبومی تحت عنوان موسیقی فیلم یا OST که مخفف ORIGINAL SOUND TRACK به معنای قطعات اصلی موسیقی فیلم را منتشر کنید باید تمام استانداردهای جهانی انتشار موسیقی فیلم را رعایت کنید. یعنی تمام موسیقی های یک فیلم برای هر سکانس و هر تایم کد از لحظه آول تا آخر را در یک مجموعه منتشر کنید. ولی آنچه مخاطبان در این آلبوم می‌شنوند او. اس. تی مجموعه نیست بلکه موسیقی مربوط به این آثار با هویتی مستقل به صورت دستچین از موسیقی این فیلم ها خواهد بود.

**وجه تسمیه این آلبوم چیست؟**

علت نام گذاری این مجموعه هم با همان نظر هویت مستقل برای این مجموعه انتخاب شده. در اصل این یک فعل نیست بلکه یک اسم خاص سرخپوستی است. مثل با گرگها می‌رقصد و یا ایستاده می‌میرد به عبارت بهتر خواب می‌بیند یک کاراکتر است.

**آیا این کاراکتر همان تصویر پر در جلد آلبوم نیست؟**

بله. در هویت بصری و طراحی گرافیک این مجموعه از پر به عنوان نمادی از لطافت و سبکی استفاده شده که تداعی همان خواب دیدن را میکند و بر هویت شاعرانه خواب می‌بیند تاکید دارد.

**در این مجموعه چند قطعه موسیقی مربوط به چند فیلم داریم که به دو بخش تقسیم شده اند. علت تفکیک چند اثر موسیقی مستقل در دو زیر مجموعه چیست؟**

این مجموعه مانند کل کائنات در خود دو حال و هوای کاملا مجزا و در عین حال مکمل هم دارد. چیزی شبیه همان ین و یانگ با همان مفهوم متضاد؛ همان دو بخش حقیقی تئاتر هم وام می گیرد و به معنای آن نیست که می‌خواهد به ماسبق خود پشت پا بزند ولی طبیعتا شکل اجرای آن با شکل اجرای صحنه‌ای تئاتر، تفاوت دارد. او با اشاره به تغییر جهان بعد از ورود اینترنت تشریح کرد: در بیست و پنج سال اخیر که با نت سر و کار داریم، کانسپت‌های(مفاهیم) تازه‌ای وارد هنر شده‌اند چراکه تکنولوژی هنر خود را تبدیل می‌کند و این گونه است که امروزه گیم‌ها به عنوان اثر هنری عرضه می‌شوند. جالب است که مخاطب هم در این بازی سهیم است و تماشاگر صرف نیست بلکه تماشاگری تعاملی است.شمس با بیان اینکه هیچ بعید نیست در آینده مدیوم‌هایی جذاب‌تر و همه‌گیرتر از تئاتر ایجاد شوند، خاطرنشان کرد: هر زمانه‌ای مدیوم‌های خاص خود را تولید می‌کند همانطور که در قرن اخیر، عکاسی و سینما به عنوان دو ابرمدیوم هنری، به سرعت اضافه شدند.

او در پاسخ به این پرسش که با این وصف آینده تئاتر چه خواهد شد و آیا این هنر، محکوم به فنا می‌شود، گفت: به نظرم مثبت و منفی و شاد و غمگین وجود ما که در عین تضاد کامل کننده هم هستند. این دو بخش هر یک اسمی مجزا دارد. بخشی با اسم غمگین می‌خواند و بخش دیگر با اسم باد در موهایش منتشر شده است. غمگین می‌خواند بخش آرام و غم آلود زندگی و باد در موهایش بخش شاد و پویای وجود کاراکتر خواب می‌بیند را تشکیل داده است.

**گفتید خواب می‌بیند اسم خاص برای یک کاراکتری است که در نهاد خود دو بخش متضاد دارد. آیا این کاراکتر ترجمان موسیقیایی شما از خودتان است؟**

این یک هم‌ذات پنداری شخصی نیست. خواب می‌بیند به نوعی ترجمان موسیقیایی آدم های امروز ما در مواجهه با وهم جاری و ساری در بطن زندگی و مفهوم مستتر در جهان هستی است.

اما از طرفی بی میل نیستم تعریف شما را قبول کنم. به هر شکل یک اثر هنری حاصل دریافت های درونی هنرمند از دنیای پیرامونش است و فرق هنرمند با دیگر مردم در همین دریافت های به شدت شخصی و منحصر بفرد اوست.

■ مقاله وارده– مجید کمالی

## کرونا و کرامت انسانی

خورشید چو پیرایه به سیما به سحر بست
آوازه به گوش سحر از خون جگر بست
ازدشت وجبل قافله ها رخت سفر بست
ای چشم جهان بین به تماشای جهان خیز
از خواب گران،خواب گران،خواب گران خیز،،،اقبال لاهوری
آمد، بی صدا آمد،،،بدون جنگ بدون خون ریزی،،بدون رجز خوانی
فاتح میدان عالم شد
آمد،،،

کرونا را میگویم ، بی خبر به تمام پس کوچه های این کره خالی سر میزند بدون توجه به نژاد،کشور،مال وثروت افراد،بی صدا آمد ولی زنگ خطری را با صدایی نهیب به گوش بشر میرساند و پیام آن این بود که ای عالمیان،ای نسل بشر که همچون جزیره ای گسسته در اقیانوس تفکر خویشتن خویش حاکمیت این کره خاکی را تصاحب کردی

شما که برای خواسته زیاده خود کشور گشایی میکنید و برای عقده های بی عقیده خود جنگ افروزی میکنید شما که برای نابودی یکدیگر از نسل خود سلاح های کشتار جمعی میسازید و کرامت وانسانیت را به فراموشی سپردید شما که به جای خالق سخن میگویید وجان و مال و ناموس افراد را به خطر می اندازید شما که سرمایه مردم را با اشک دیده سرمه ی نا کشیده مادران به سفره میبرید شما که از فقیر آبرو دار بیخبرید شما که زندگی کاسب کارانه و معامله افراد را،، به معنویت عشق و کرامت انسانی ترجیح میدهید،،، در مقابل این مهمان ناخوانده این ویروس کوچک که حتی با چشم غیر مسلح هم دیده نمیشود ناتوانید بله ناتوانید،،، مهم نیست از کجا آمد و از کجا شکل گرفته از آزمایشگاه های میکروبیولوژیک پیشرفته صنعتی جهان یا در منطق معنویت تفکر اتمان عذاب الهیست،مهم اینست که توی انسان سرکش الان در مقابل آن ناتوانی ،،حتی اگر ثروتی داری با ترس به لمکده خویش برای مصون ماندن پناه بردی.به راستی وقتی حقیقت در کنار زندگی قرار میگیرد خیلی ها حق طلبند ولی وقتی حق در مقابل مرگ قرار میگیرد تکلیف چیست؟هیچ فکر کرده ایم ما انسان ها به کجا میرویم .آیا زمان آن نرسیده که کرامت انسانی خود را به نمایش بگذاریم. آیا زمان آن نرسیده که بدانیم همه زاییده روح خدایی هستیم و او میگوید ما از رگ گردن به شما نزدیک تریم آیا زمان آن نرسیده روح انسانی خود را برای کمک به همنوع در طبق اخلاص بگذاریم؟ آیا زمان این نرسیده که به قول بزرگی بدانیم جهان وطن ماست و همه بشریت قبیله ما ،، وباید وظیفه زندگی را از داشتن به شدن و تجربه بودن تغییر دهیم،

دیده بگشای،،،دیده بگشای

ای انسان ...باید بدانی سرزمین ما این کره خاکی که ما چند روزی در آن مهمانیم. در این برهه از زمان سرزمین عمل است صومعه نیست صحنه است، صحنه نمایش انسانیت تو در مقابل هم نوع،اگر امپراطوری جهانی را در دست داری ،اگر دولتمردی هستی ،اگر غنی هستی،مال داری،قدرت تفکر نیکی در اندیشه می پرورانید. پس بپا خیز واین بلای عالم گیر را بدون نژاد و مرزهای بی خرد در توان خود گشوده کن وثابت کن توهم از نسل بشری،نسل انسانیت آری، نسل انسانیت

رستاخیز نمایش انسان بودن تو امروز است روزنشان دادن کرامت بشری تو؛پس بیائیم تا خود باشیم و وجودبیکران انسانی خویش را با قدرت تفکر شکوفا سازیم، بگذاریم جوشش درونی تمامی انسان ها با اتکا بر قدرت تفکر بستری را برای این نبرد مهیا سازد،، وباید بدانیم در جامعه امروز ما هوشمندی و توانمندی فراتر از روشنفگری است، و اگر در این شط پر خروش زندگی قدرت تفکر و حاکمیت انسانیت را در دست بگیریم بی رنج نامه به ابدیت میرسیم و شاید آنگاه بتوانیم خود را اشرف مخلوقات بنامیم و آنگاه در این عرصه پر رمز و راز کرامت ،باید بدانی که هنوز هم ای انسان تو پادشاه دولت کوچک خویشی. در آخر باسپاس فراوان از لشگر پر تلاش سلامت. باید بدانیم همه بندگان دولت عشقیم،عشق به همنوع وهدف تک تک ما باید کمک به بهبود وزندگی نیک باشد واگر مسرت وسعادت یکدیگر را تامین نکنیم خود راشکستیم..

**آری آری زندگی زیباست**
**زندگی آتشگهی دیرنده پابرجاست**
**گر بیافروزیش رقص شعله اش تا هر کران پیداست**
**ور نه خاموش است و خاموشی گناه ماست**
**سیاوش کسرایی،،،**

معرفی کتاب

## «واقع نگری؛ چرا جهان را کژ می‌فهمیم»

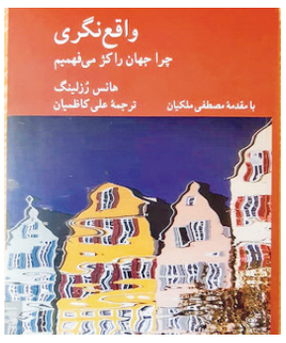


**گروه فرهنگ و هنر** – کتاب «واقع نگری؛ چرا جهان را کژ می‌فهمیم» در ۳۷۸ صفحه با ترجمه علی کاظمیان، همرا با مقدمه‌ای به قلم مصطفی ملکیان به قیمت ۷۰هزار تومان از سوی نشر کرگدن منتشر شد.واقع‌نگری آخرین میراث هانس رُزلینگ، استاد برجستهٔ سوئدی در حیطهٔ سلامت عمومی، است. کتاب چند ماه پس از درگذشت رزلینگ به کوشش دو همکار سخت‌کوش او، پسر و عروسش، منتشر شد. رزلینگ در مقدمهٔ این کتاب جسورانه، نخست نشان می‌دهد که ما آدمیان در فهم اوضاع جهان تا چه اندازه خطا می‌کنیم. او ابتدا مخاطب را به چالش شرکت در آزمونی برای سنجش میزان شناخت او از جهان دعوت می‌کند. آزمونی که چه‌بسا ما هم مثل اکثر مردم از آن نمرهٔ قبولی به دست نیاوریم.

رزلینگ، شگفت‌زده از نتایج ضعیف مردم در پیمایش‌هایش، ابتدا چاره را در انتقال اطلاعات و داده‌ها به مردم می‌بیند، شروع می‌کند به سخنرانی‌های جذاب در اقصانقاط دنیا، و با مخاطبانش از بهبودهای قابل‌توجه در کیفیت زندگی انسان‌های کرهٔ‌زمین طی دهه‌های اخیر سخن می‌گوید. اما دیری نمی‌پاید که درمی‌یابد این هم راه‌حل نهایی نیست. تصور نادرست ما از جهان عمیق‌تر از این حرف‌هاست. این کتاب دربارهٔ ریشه‌های بدفهمی نوع انسان نوشته شده است، غرایزی که میلیون‌ها سال به کار نیاکان ما می‌آمدند، اما حالا بسیاری از آنها بیش از آنکه یار شاطر باشند بار خاطرند و ما را به کج‌راههٔ بدفهمی درمی‌اندازند. رزلینگ دربارهٔ تصور نادرست نوع انسان سخن می‌گوید، چیزی که تخته‌بند زمان و مکان نیست. سوئدی و امریکایی و ایرانی نمی‌شناسد. اما واقع‌نگری برای ایرانِ امروز ما حرف‌های شنیدنی و ویژه‌ای دارد. گویی بخشی از رنجی که می‌بریم برآمده از ناهشیاری ما در قبال این غرایز کهن است.

در بخشی از مقدمه ملکیان بر این اثر آمده: کتابِ واقع‌نگری: ده دلیل بر این‌که ما دربارهٔ‌ی دنیا برخطاییم و وضع بهتر از آن است که گمان می‌کنید، نوشتهٔ‌ی هانس رُسلینگ، نمونه‌ای خوب از آثاری است که می‌توان آنها را در طبقهٔ‌ی حکمتِ عملی یا فلسفه در عمل یا برای عمل یا فلسفهٔ‌ی کاربردی یا کاربستی جای داد.

معرفی کتاب

## «کاش یک برادر داشتم»

**گروه فرهنگ و هنر** –کتاب «کاش یک برادر داشتم» اثر برنهارد لینز، با ترجمه علی خاکبازان برای پنجمین بار از سوی کانون پرورش فکری بازنشر شد.

کتاب «کاش یک برادر داشتم» داستان پسر کوچکی است که آرزوی داشتن یک برادر دارد.

او می‌خواهد برادرش را به رودخانه ببرد، با او چادر بزند، همراه او از درخت سیب بالا برود و با او فوتبال بازی کند و تبدیل به قهرمان زندگی برادر کوچک‌تر شود اما مادر ویلی به او یک خواهر هدیه می‌دهد.

حالا ویلی با چالش مهمی روبروست، او نه تنها برادر ندارد، بلکه فکر می‌کند خواهر کوچک‌تر عزیزدردانه مادر است. حالا قهرمان کتاب «کاش یک برادر داشتم» باید دنبال یک راه‌حل برای مشکل بزرگش بگردد.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «هر بار که خواهر کوچولو خودش را خیس می‌کرد یا شیرش را روی صورتش می‌ریخت، مادر فقط او را می‌بوسید. مدت زیادی طول کشید تا خواهر کوچولوی ویلی کمی بزرگ‌تر شد. حالا، هر بار که گریه می‌کرد، به او اسباب‌بازی می‌دادند. او مجبور نبود خودش را تمیز کند، مادر او را تمیز می‌کرد. مجبور نبود غذایش را تمام کند، پدر بقیه غذایش را می‌خورد.»

این کتاب با متنی کوتاه و تصاویر ساده به خردسالان کمک می‌کند تا با مهارت‌های فردی، حس حسادت خود را کنترل کنند.

یادآوری می‌شود این کتاب از سوی آلنکا سوتلر تصویرگری شده است. این تصویرگر که اهل اسلوونی است برای بیش‌تر از ۴۰ کتاب کودک و بزرگسال تصویرسازی کرده و جوایز زیادی را در پرونده کاری خود ثبت کرده است.

«کاش یک برادر داشتم» نخستین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شد و در چاپ پنجم به شمارگان ۳۰هزار نسخه رسیده است.

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب ۲۸ صفحه‌ای را که مناسب گروه سنی بالای ۴ سال است به قیمت ۱۱هزار تومان از فروشگاه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مجموعه شهر کتاب تهیه کنند.

## قطعه تقدیمی به شجریان با صدای افتخاری چگونه شکل گرفت؟

**گروه فرهنگ و هنر** – چندی پیش مهرداد دلنوازی (آهنگساز) با همکاری علیرضا افتخاری (خواننده) قطعه‌ای به نام «دلتنگ باران» را منتشر کردند تا دلتنگی خود را نسبت به غیبت محمدرضا شجریان در فضای موسیقی کشور اعلام کنند.دلنوازی درباره روند ساخت این قطعه گفت: از آنجا که افرادی مانند استاد شجریان در موسیقی آواز ایران منشاء اثر هستند، وظیفه امثال من این است که به صورتی قدردان این استادان باشیم. چند سالی است که استاد در بستر بیماری است و من و آقای افتخاری این احساس درونی را داشتیم که با تولید یک اثر موسیقی، دلتنگی خود به ایشان را ابراز کنیم، بخواهیم که زودتر سلامتی خود را به دست بیاورد، با انرژی بخواند و با خواندن خود زندگی‌ها را تازه کند.او ادامه داد: در نتیجه موضوع را با دوست شاعرم، اسماعیل فرزانه که طبع خیلی خوبی هم دارد، مطرح کردم و خواستم شعری بنویسد که گویای چنین موضوعی باشد. در ادامه سعی کردم با حسی که نسبت به استاد شجریان داشتم، موسیقی کار را تنظیم کنم و بسازم. برای خواندن ترانه کار در ابتدا با خواننده دیگری تماس گرفتم که کار را قبول نکرد، در نهایت با آقای افتخاری همکاری کردم که ایشان نیز به دلیل دلتنگی‌ها و ارتباط قدیمی که با استاد شجریان داشت، به انجام این کار تمایل داشت. البته من آشنایی بیشتری با آقای افتخاری داشتم و سال‌ها قبل در اوایل دهه ۶۰ با آقای افتخاری نخستین آلبوم ایشان به نام «آتش دل» را که بزرگداشتی برای استاد تاج اصفهانی بود، آهنگسازی کرده بودم.از دلنوازی درباره استادانی که از آنها موسیقی آموخته است، پرسیدیم که پاسخ داد: من از ۱۰ سالگی در سال ۴۹ به هنرستان موسیقی وارد شدم و استادانی همچون استاد هوشنگ ظریف، حسین دهلوی و فرامرز پایور از استادان من بودند. در سال ۵۷ به بازار کار هنری در صداوسیما وارد شدم که استاد شجریان در آن زمان بیشتر با گروه عارف و شیدا کار می‌کرد. فاصله سنی که با استادانی همچون استاد شجریان داشتیمف باعث می‌شد که نتوانیم با آنها کار کنیم، در نتیجه با هنرمندان جوان‌تری مانند محمد معتمدی یا سالار عقیلی همکاری می‌کردیم.

او ادامه داد: البته در آن زمان استاد شجریان از بزرگان موسیقی بود و خودش آهنگساز و نوازنده را انتخاب و بیشتر با افرادی مانند محمدرضا لطفی یا پرویز مشکاتیان کار می‌کرد. اینکه من یک قطعه موسیقی برای او ساختم، به این معنا نبود که ارتباط نزدیکی با ایشان داشتم. تنها گاهی در برنامه‌ها و مجالسی با ایشان دیدار می‌کردم. به هر حال این افراد و زنه‌هایی از موسیقی ایران هستند و این امر باعث می‌شود که به آنها در موسیقی مدیون باشیم.

این آهنگساز در بخش پایانی صحبت خود به یک اشتباه در نگارش خبر ساخت این آهنگ در یکی از روزنامه‌ها پرداخت و گفت: چندی پیش خبری درباره قطعه «دلتنگ باران» منتشر شده و نوشته شده بود که این اثر با صدای آقای افتخاری و تنظیم مهرداد دلنوازی منتشر شده است. گرچه که من تنها تنظیم کننده کار نبودم، بلکه آهنگسازی آن نیز با من بود و این دو امر از هم متفاوت هستند. از طرفی حتی ایده ساخت این کار نیز از من بود.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹